

بررسی و تحلیل شخصیت کوش پیل‌دندان بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر

ستار عبدالله پور^۱، آرش مشفق^{۱*}، غلامحسین جوانمرد^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲- گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

بهمن ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۹۹-۱۱۶

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6725

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: آلفرد آدلر، بنیانگذار مکتب روانشناسی فردی است و این مکتب بر مفاهیمی چون احساس حقارت، عقده حقارت، و سازوکار جبران استوار است. از دیدگاه آدلر، رفتارهای انسان را عوامل اجتماعی تعیین می‌کنند. این دیدگاه در ادبیات برای بررسی شخصیت‌های داستانی به کار رفته است. در این نوشتار به یکی از بارزترین درونمایه‌های این دیدگاه بنام «عقده حقارت» در شخصیت «کوش پیل‌دندان» در منظومه حماسی کوشنامه، پرداخته شده است.

روش مطالعه: روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری داده‌های آن کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: زشت‌روی و رهاشدگی از سوی پدر و مادر، از عوامل اصلی به وجود آمدن عقده حقارت در کوش پیل‌دندان بوده است که با تعامل نادرست اطرافیان، عقده حقارت در وی شدت می‌گیرد و تعادل روانی او را بهم می‌زنند؛ بنابراین هنگامی که نتوانسته از راههای سالم، برای جبران عقده حقارت خویش بهره جوید و توفیقی کسب کند، برای تعادلبخشی روان‌رنجوری خود، به شیوه‌های ناسالم متوسل می‌شود.

نتیجه‌گیری: مکانیسم‌های جبران کوش پیل‌دندان در رابطه با عقده حقارت عضوی و طردشدگی عبارتند از: بدرفتاری با دیگران، بدبینی، دروغ‌گویی، مبالغه‌گویی، شاهدبازی، روی آوردن به کامیابیهای فوری، حيله‌گری، دوگانگی رفتار، زودرنجی و انتقادناپذی، خودکامگی، خودبزرگ‌بینی و خودشیفتگی. مطابق با نظریه آدلر، بروز چنین رفتارهای غیرعادی، فقط می‌تواند یک عامل واقعی داشته باشد و آن عقده حقارت است که در کوش پیل‌دندان نمود یافته است.

تاریخ دریافت: ۲۱ آذر ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۳ دی ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۰۶ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۴ اسفند ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

آلفرد آدلر، روانشناسی فردی، عقده حقارت، کوشنامه، کوش پیل‌دندان.

* نویسنده مسئول:

arashmolfeghi@bonabiau.ac.ir

۳۷۷۴۴۴۸۶ (+۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating and Analyzing the Koush Pil Dandan personality based on Alfred Alder's inferiority complex

S. Abdollahpour¹, A. Moshfeghi^{*1}, Gh.H. Javanmard²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

2- Department of Psychology, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 May 1993

Reviewed: 13 January 2022

Revised: 26 January 2022

Accepted: 15 March 2022

KEYWORDS

Alfred Adler, Individual psychology, Inferiority complex, Koush Nameh, Koush Pil Dandan.

*Corresponding Author

✉ arashmoshfeghi@bonabiau.ac.ir

☎ (+98 41) 37744486

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Alfred Adler is the founder of the school of individual psychology and this school is based on concepts such as feelings of inferiority, inferiority complex, compensation mechanism, etc. According to Adler, human behavior is determined by social factors. This view has been used in the literature to examine fictional characters. In this article, an attempt has been made to address one of the most valuable themes of this view called the "inferiority complex" in the character of "Kush Pildandan" in the epic poem of Koushanameh.

METHODOLOGY: The research method is descriptive-analytical and its data is library.

FINDINGS: ugliness and abandonment by parents have been the main factors in the formation of inferiority complex in the Kush Pildandan; That with the wrong interaction of those around him, the bond of inferiority intensifies in him and disturbs his mental balance; So when he has not been able to use healthy ways to compensate for his inferiority complex and succeed, he uses unhealthy methods to balance his psychosis.

CONCLUSION: The mechanisms of compensating for stubbornness in relation to membership inferiority and rejection are: mistreatment of others, pessimism, lying, exaggeration, witnessing, resorting to immediate success, cunning, dual behavior, selfishness, selfishness, and self-criticism. And narcissism. According to Adler's theory, the occurrence of such abnormal behaviors can only have one real factor, and that is the bond of inferiority that is manifested in the Kush Pildandan.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6725](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6725)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 0	 0

مقدمه

ادبیات بدلیل ماهیت و حوزه گسترده‌اش، با دیگر رشته‌های علوم انسانی همچون روانشناسی، اشتراک و تناسب موضوعی دارد؛ ازاینرو انجام پژوهشهای بین‌رشته‌ای در آن امکان‌پذیر است. «در این میان رابطه ادبیات و دانش روانشناسی، از اهمیت و عمق بسیاری زیادی برخوردار است» (ولک، ۱۳۸۲: ۸۲). «بسیاری از روانشناسان معاصر دیدگاههای روانشناسی خود را بر پایه آثار ادبی ارائه نموده‌اند. ازجمله آلفرد آدلر، نظریه خود را درباره عقده حقارت از آثار شکسپیر، استاندال و داستایوسکی برگرفته است» (آدلر، ۱۳۷۰: ۵۵). ادبیات از جمله دانشهایی است که میتواند بینشهای ارزشمندی از رفتار آدمی را ارائه نماید؛ ازاینرو همواره بمثابة یکی از ابزارهای باارزش اطلاعاتی برای روانکاوی مورد استفاده قرار گرفته است. آدلر برای توجیه و اثبات نظریات خود به بررسی آثار جاودان تاریخ ادبیات میپرداخت. از نظر آدلر «سرایندگان بزرگ جهان ادب، به بسیاری از نکته‌های مهم روانشناسی پی برده‌اند و این نکته‌ها در ترکیب خالص و اصیلی که آنها به شخصیت‌های زنده و فعال آثار خود بخشیده‌اند، قابل مشاهده است؛ آنگونه که میتوان از برآورد آنها به مجموعه مسائل انسان رسید» (همان: ۲۲۷).

شناخت ژرف نویسندگان و شاعران بزرگ از انسان، به شخصیت‌های آثارشان روح و زندگی جاودان بخشیده و چنان روح و روان پیچیده‌ای به آنان داده است که در هر زمانی امکان انجام پژوهشهای روانشناسی درباره آنها وجود دارد. منظومه کوشنامه ایرانشاه بن ابی‌الخیر یکی از حماسه‌های برجسته و کهن ادبی است که از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی برخوردار است و از جنبه‌های گوناگون از جمله روانشناسی قابل بررسی است. قهرمان اول و شخصیت اصلی این منظومه «کوش پیل‌دندان» است. شخصیت کوش پیل‌دندان در این منظومه حماسی با توجه به حضور پویا و پررنگش بگونه‌ای پرداخت شده است که میتوان آن را با توجه به دیدگاه آدلر از لحاظ گرفتاری به عقده حقارت تحلیل کرد.

ناقدان ادبی از سده گذشته بررسیهای علمی خود را بر آن شکل از نقد که میتوان آن را نقد روانکاوانه نام نهاد، متمرکز کرده‌اند. «هرچند پردازش انگیزه و آرزوهای پنهان شخصیت بطور ویژه در داستانهای امروزی بروز بیشتری مییابد، از آنجاکه متون کهن بمثابة آینه‌ای از روان و آرزوهای انسانهای روزگار خویش بوده و همچنین تصویر ذهنی بشر را از انسان آرمانی خود بروشنی هرچه تمامتر آشکار مینماید، میتواند جایگاه مناسبی برای پردازش روانکاوانه باشد. در اینباره یونگ نیز معتقد است داستانهایی بیشتر ارزش تحلیل دارند که بعنوان اثری غیرروانشناسی و در قالب شاهکار هنری مطرح شده باشند» (صنعتی، ۱۳۸۰: ۸۲).

این نوشتار بر آن است تا با در نظر گرفتن نظریه متن‌محور و بر پایه رویکرد روانشناسی، یکی از برجسته‌ترین اصول مطرح در حوزه نظریه‌های شخصیت یعنی عوامل بروز عقده حقارت را در چارچوب نظریه روانشناسی فردنگر آلفرد آدلر، در شخصیت اصلی داستان کوشنامه به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ بنابراین بررسی و شناسایی عوامل ایجاد عقده حقارت در وجود کوش پیل‌دندان و راه‌های جبران این عقده، با دقت در رویدادهای زندگی او، بر پایه روانشناسانه آلفرد آدلر هدف اصلی این پژوهش است. نگارنده بر آن است که نشان دهد کوش پیل‌دندان از عقده حقارت برآمده از زشت‌رویی رنج میبرد و برای کاهش احساس حقارتش به جستجوی جبران کمبودهایش برمیآید که در بیشتر موارد به راه‌های غیرسالم متوسل میشود. از آنجاکه انجام چنین پژوهشهایی در راستای گسترش پژوهشهای بین‌رشته‌ای بشمار میرود، میتواند زمینه‌ساز پژوهشهای نوین و راهی در وحدت‌بخشی به علم و دانش در بخش علوم انسانی باشد. همچنین با بررسی این آثار میتوان قدرت درک

هنرمند را از ویژگی‌های فردی شخصیت‌های آثارشان دریافت که چگونه توانسته‌اند با شناخت خُلق و خوی انسان، به خُلق شخصیت‌های جاودان نائل بشوند.

ضرورت و سابقه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه نقد روانشناسی بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر، صورت گرفته است؛ از آن جمله مقالاتی تحت عنوان «بررسی عقده حقارت در شخصیت بوسهل زوزنی بر اساس روایت بی‌هقی» (قوام و قبول، ۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل شخصیت ابن‌رومی براساس نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر» (مجیدی و غفوری‌فر، ۱۳۹۴)، «بازنمایی عقده حقارت در شخصیت قهرمان داستان امرأه عند نقطه الصفر اثر نوال سعداوی» (صاعدی، ۱۳۹۶) و «عقده حقارت در رمان ما لا تذروه الراح با تکیه بر نظریه آلفرد آدلر» (فارسی و شهریار: ۱۳۹۶) اشاره کرد. همچنین درباره منظومه کوش‌نامه پژوهش‌هایی صورت گرفته و بصورت مقاله ارائه شده است. از جمله میتوان به مقالات زیر اشاره کرد:

«سفر به جهان زشت‌رویی کوش با تغییر پیرنگ گفتمان روایی کوش‌نامه از ژانر حماسی به ژانر عرفانی» (حدادی و نجف‌دري، ۱۳۹۳) که نویسندگان به بررسی و تحلیل سفر به جهان کوش‌نامه با نظریه جهان‌پردازی روایی هرمن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مخاطب در این سفر همراه کوش با تغییر چهره و خصایل او به جهان پایدار و منسجم میرسد؛ زیرا تغییر چهره کوش نه تنها جهان او و بلکه جهان روایی داستان و مخاطب را تغییر داده است و مقاله دیگری با نام «تحلیل کهن‌الگویی شخصیت کوش پیل‌دندان با رویکرد به کهن‌الگوهای پیر خردمند و ولادت دوباره» (بدیع‌زاده و اشرف‌زاده: ۱۳۹۷) که نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند که کوش پیل‌دندان دچار تحولات معنوی گسترده‌ای گردیده و بر اثر رهنمودهای پیر فرزانه و روشنگری‌های او به فردی اخلاق‌مدار و پایبند به امور روحانی بدل شده، بطوریکه گویی از نو، زنده شده و زندگی دوباره‌ای را تجربه کرده است. همچنین در مقاله دیگری با عنوان «بازنمایی بدن و تحلیل کنش‌های بدنی ضدقهرمان در منظومه حماسی کوش‌نامه» (مهرا: ۱۳۹۹)، نویسنده به تبیین و تحلیل کنش‌های بدنی در کوش‌نامه پرداخته و به این نتیجه رسیده که کوش پیل‌دندان فردی زشت‌روی بوده و دائم در حال مبارزه با زشت‌رویی خویش بوده است.

در پژوهش‌های یادشده، منظومه حماسی کوش‌نامه از دید عقده حقارت آدلر، مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. خلاصه تحقیقاتی در این مورد، ضرورت انجام پژوهش را به اثبات میرساند؛ بنابراین در این پژوهش کوشش شده است با بهره‌گیری از نظریه آدلر، که در محدوده رویکرد روانشناسی شخصیت جای می‌گیرد، تحلیل نوینی از شخصیت کوش پیل‌دندان ارائه گردد.

بحث و بررسی

معرفی منظومه کوش‌نامه و خلاصه داستان: کوش‌نامه یکی از منظومه‌های حماسی است که «در آغاز سده ششم، ایرانشاه بن ابی‌الخیر آن را به تقلید از شاهنامه فردوسی در ۱۰۱۲۹ بیت به نظم درآورده است. این منظومه حماسی، داستان زندگی هزاروپانصدساله کوش پیل‌دندان، فرزند کوش، برادرزاده ضحاک است که سالهای طولانی در چین، با قدرت و ستمگری فرمانروایی کرده، سرانجام به دست پیر فرزانه‌ای، دادگری و یزدان‌پرستی پیشه میکند» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۳۸).

پدر کوش پیل‌دندان، او را بخاطر زشتی چهره در بیشه‌ای رها میکند. آبتین او را پیدا میکند و با خواهش همسرش او را تحت تربیت خویش قرار میدهد. کوش پیل‌دندان پس از چهل سال در جنگ با پدر، سرانجام به آبتین خیانت میکند و به نزد پدر و ضحاک برمیگردد. کوش پیل‌دندان، هشتصد سال با جنگ، خونریزی و قتل و غارت زندگی میکند تا اینکه یک روز بدنبال شکار آهو، در بیشه‌ای گم میشود؛ در آن بیشه به قصر پیری از نسل جمشیدیان میرسد و پیر، چهره زشت کوش پیل‌دندان را درمان میکند و کوش دچار دگرگونی معنوی میشود، و از شخصیت بزه‌کار به فردی اخلاق‌مدار تبدیل میشود. او پس از چهل‌وشش سال به دیار خود بازمیگردد و بعنوان شاه دادگر مردمان را به خداپرستی دعوت میکند.

معرفی آلفرد آدلر و نظریه او: «آلفرد آدلر (Alfred Adler)، بنیانگذار مکتب روانشناسی فردی (Individual Psychology) است. وی نخستین کسی است که جنبه اجتماعی بودن آدمی را خاطرنشان ساخت» (سیاسی، ۱۳۹۴: ۸۲). «او در سال ۱۸۷۰ میلادی در شهر وین کشور اتریش دیده به جهان می‌گشاید و در کودکی سختیهای فراوانی می‌بیند. او به نرمی استخوان دچار بوده که به او اجازه نمیداده با کودکان دیگر بازی بکند، از این‌روی مادرش او را بخاطر بیماریش لوس بار می‌آورد اما در دوسالگی با به دنیا آمدن بچه‌ای دیگر کنار گذاشته میشود. درواقع مادرش او را از خود دور میکند. در سه‌سالگی برادر کوچک‌ترش در تخت کنار او می‌میرد. در چهارسالگی برادر ذات‌الریه نزدیک به مرگ میشود... آدلر به برادر بزرگ‌ترش که قوی‌بنیه و تندرست بود و میتوانست به فعالیت بدنی و ورزشی بپردازد حسادت میکند. آدلر در برابر برادرش و کودکان دیگر محله که همگی تندرست بنظر میرسیدند، احساس حقارت میکند. سرانجام تصمیم می‌گیرد ناتوانیهای جسمانی خود را جبران نماید. آدلر برای تحقق بخشیدن به آرزوهای کودکی خود به تحصیل پزشکی در دانشگاه وین می‌پردازد. وی در سال ۱۹۱۲ میلادی انجمن روانشناسی فردنگر را دایر میکند. پس از تسلط نازیها بر اتریش، وطن را ترک میکند و عازم آمریکا میشود و در آنجا به تدریس پزشکی می‌پردازد. دو سال بعد برای ایراد سخنرانی به انگلستان می‌رود، در اسکاتلند دچار حمله قلبی میشود و فوت میکند» (شولتز، ۱۳۹۲: ۱۹۰). «یکی از مفاهیم اولیه که آدلر ارائه نمود، احساس حقارت (Inferiority Feeling) بود. احساس حقارت نگرش ذهنی و تحقیرآمیزی است که به خودمان داریم. آدلر معتقد بود احساس حقارت میتواند در کودکی از سه منبع سرچشمه بگیرد: حقارت عضوی، طردشدگی و لوس کردن» (همان: ۱۴۶). «شخص برای کاهش احساس حقارت به سازوکار جبران متوسل میشود. در این راستا اگر راه‌های سالم و سازنده درپیش گیرد، احساس حقارت خود را به برتری تبدیل میکند؛ اما اگر از درک و پذیرش احساس حقارت خودداری کند و از رویارویی با آن بهراسد و خود را از پیکار با این احساس ناتوان بداند و آن را در اعماق وجود خود پنهان کند و سعی کند آن را از راه واکنشهای نادرست و غیرمعقول جبران کند، این احساس در او تبدیل به عقده حقارت میشود» (منوچهریان، ۱۳۷۲: ۱۰).

بررسی علل بروز عقده حقارت در شخصیت کوش پیل‌دندان

کوش پیل‌دندان و احساس حقارت جسمانی: عقده حقارت از جمله احساسات ناخوشایندی است که باعث میشود فرد در مقایسه خود با دیگر افراد پیرامون خویش، گمان کند در جایگاه پایینتری از آنها قرار دارد. گاهی کمبودهای ظاهری مانند زشتی چهره در به وجود آمدن این عقده مؤثرند. کوش پیل‌دندان نیز از این قاعده جدا نبوده و از زشت‌رویی بشدت احساس حقارت میکرده، او آنچنان زشت‌روی بوده که از پدر و مادر رانده میشود و

آبتین در پرورش او تردید میکند، چهره او را اهریمنی توصیف میکند و در میدان جنگ، همه از دیدن چهره او فرار میکنند. در جای‌جای کوشنامه زشت‌رویی او بازگو شده است.

بر پایه داستان کوشنامه، پس از آنکه ضحاک بر ایران چیره میگردد، کوش به چین می‌رود، چین و ماچین را تصرف میکند، سپس بسوی پیل‌گوشان لشکر میکشد و در آنجا با دختر زیبا از دودمان پیل‌گوشان، که به چهره آدمیان بوده، ازدواج میکند. حاصل این ازدواج پسری شگفت‌انگیز میشود، بدین شکل و چهره:

دو دندان خوک و دو گوش آن پیل سر و موی سرخ و دو دیده چو نیل
میان دو کتفش نشانی سیاه سیه چون تن مردم پرگناه
(کوشنامه: ص ۲۰۲)

همچنین در جای دیگر این منظومه، بازهم به زشت‌رویی کوش پیل‌دندان اشاره شده است.

سر خوک دارد تن دیوزوش به پیلانش ماند دو دندان و گوش
(همان: ص ۲۱۴)

ویژگی آشکار ظاهری کوش پیل‌دندان، چهره زشت اوست؛ این زشت‌رویی نابهنجار، از او چیزی همانند موجود اهریمنی ساخته است. نمونه دیگری از زشت‌رویی کوش پیل‌دندان:

جز آن نیست کش روی زشت است و سخت دو دندان پیشین بسان درخت
دو گوشش همانند دو گوش پیل درازا و پهنا و دیده چو نیل
(همان: ۲۹۵)

وجود پاره‌ای از صفات نابهنجار در کوش پیل‌دندان باعث شده است دیگران او را مسخره کنند. از این‌روی این برخورد با او موجب پدیدار شدن عقده حقارت در وی شده است. هنگامی که کوش پدر فوت میکند، کوش پیل‌دندان بجای او بر تخت می‌نشیند و تصمیم می‌گیرد به پیش ضحاک در بیت‌المقدس برود. هنگامیکه به حضور ضحاک میرسد، فرزند ضحاک با دیدن چهره زشت کوش پیل‌دندان شگفت‌زده میشود.

ز دیدار او خیره فرزند شاه همی هر زمان کرد در وی نگاه
همی گفت کز شهریاران چین کرا بچه آمد به روی زمین؟
جوان را همی نیک نامد ز کوش از آن روی نازیب و دندان و گوش
(همان: ۳۰۰)

همچنین نگاههای تحقیرآمیز نزدیکان باعث تشدید عقده حقارت در وی می‌باشد. وقتی که فریدون او را میبیند، از چهره زشتش شگفت‌زده میشود:

تلیمان چو مر کوش را برد پیش فریدون نگه کرد از اندازه بیش
بدان سرکشان گفت کان زشت‌روی شگفت آمدی گر بدی نیک‌خوی
(همان: ۵۳۳)

کوش پیل‌دندان، بابت زشتی چهره خود همیشه در رنج بوده، نقصی که پیامدهای منفی آن با وجود اینکه یک پهلوان برجسته شده بود، باز در دل او بجا مانده و سنگینی آن همیشه او را می‌آزرده است؛ چراکه یک بار در پایان کتاب به پیر فرزانه اعتراف میکند که همواره از زشتی خود در رنج بوده است و می‌خواهد زشتی از روی او پاک کند و این بیت دلیلی بر نظریه آدلر مبنی بر احساس حقارت برآمده از حقارت عضوی است.

روا دارمی گر نبودیم گنج وز این زشتیم دل نبودى به رنج
اگر زشتى از روی من بسترى کنم جاودانه تو را کهترى
(همان: ۶۶۸)

کوش پیل‌دندان و عقده حقارت ناشی از طردشدگی: بنابر نظریه آدلر، درمورد حس حقارت در فرد و تبدیل شدن آن به عقده حقارت، میتوان ادعا کرد کوش پیل‌دندان دچار عقده دیگری تحت عنوان عقده طردشدگی هم بود. طردشدگی کوش پیل‌دندان از سوی پدر و مادر بسبب چهره زشت وی بوده است، به عبارتی میتوان گفت چهره زشت کوش پیل‌دندان سبب به وجود آمدن دو نوع عقده عضوی و طردشدگی شده است. هنگامیکه کوش پدر، چشمش بر کودک خویش میفتد، بر زن بیگناهِش خشمگین میگردد که چرا کودکی بدین چهره زاده است. پس زن خود را میکشد و کودک را در بیشه‌ای رها میکند و به خانه بازمیگردد. نهانی پس آن بچه را برگرفت سوی بیشه چین ره اندر گرفت
بینداخت او را و خود گشت باز ز مردم نهان ماند یک‌چند راز
(همان: ۲۰۲)

مکانیسمهای جبران کوش پیل‌دندان در رابطه با عقده حقارت عضوی و طردشدگی

چنانچه گذشت آلفرد آدلر، احساس حقارت را اساس نظریه خود قرار داد. «احساس حقارت از جمله عواطفی است که هر فرد آن را تجربه میکند. این احساس، آدمی را برمی‌انگیزد تا به تکامل برسد و تا زمانی ارزشمند است که موجب حرکت از کهتری به مهتری شود. ولی همین احساس حقارت از سوی دیگر میتواند نقش ویرانگری داشته باشد و باعث رفتارهای ناپسند گردد. اگر فرد برای غلبه بر احساس حقارت خود اظهار ناتوانی کرده و از راههای ناهنجار استفاده کند، این ناتوانی منجر به تعمیق عقده حقارت میگردد. افراد دارای عقده حقارت، نگرش مثبت به خود ندارند و در کنار آمدن با درخواستهای زندگی احساس درماندگی و ناتوانی میکنند» (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۳۳)؛ از این روی چاره‌ای جز پرخاشگری برای جبران ندارند. به باور آدلر «نخستین واکنش به احساس درماندگی و حقارت، سائق پرخاشگری است. سائق پرخاشگری، نیروی غالب، حاکم و شکل‌دهنده ترکیبی از سائقهاست» (ناصری، ۱۳۸۶: ۵۶). در وجود چنین اشخاصی اغلب صفاتی همچون بدرفتاری، بدبینی، دروغ‌گویی، حيله‌گری، دوگانگی رفتار، انتقادناپذیری، خودکامگی، خودبزرگ‌بینی و خودشیفتگی بروز مییابد؛ بنابراین هنگامی که کوش پیل‌دندان نتوانسته از راه‌های سالم برای جبران احساس حقارت خویش بهره جوید، خواه‌ناخواه به بروز صفاتی در وجود خویش میپردازد که آدلر آنها را صفات منبعث از عقده حقارت میداند. با این توضیح، «احساس حقارت» دارای بار مثبت و منفی است. مقصود ما در این مقاله بررسی بُعد منفی آن یعنی «عقده حقارت» است.

بدرفتاری با دیگران: کوش پیل‌دندان در برابر کسانی که نقص چهره وی را به ریشخند می‌گرفتند، رفتاری پرخاشگرانه انجام میداد؛ به عبارت دیگر، جبران از راه بدرفتاری و پرخاشگری مکانیسمی بود که وی درپیش می‌گرفت. پس از آنکه کوش، به هفت‌سالگی میرسد، آبتین او را به استاد می‌سپارد، دو سال می‌گذرد و چیزی یاد نمیگیرد. هم‌کلاسیهایش او را بخاطر چهره زشتش مسخره میکنند. کوش بخاطر این رفتار احساس حقارت میکند، برای جبران ناتوانی و کاهش احساس حقارتش، راه ناسازگاری را انتخاب میکند، آنها را می‌آزارد و رفتاری نابهنجار از خود نشان میدهد.

یکی خویشکامی برآمد درشت همی زد همه کودکان را به مشت
مر او را همه‌کس همی خواند دیو از او گشت فرهنگدان با غریو
سوی آبتین رفت استاد او بنالید از آن رنج و بیداد او
(کوشنامه: ۲۰۴)

میتوان گفت کوش پیل‌دندان مکانیسم کتمان را در برابر زشترویی خود در مقابله با تمسخر دیگران به کار گرفته است. زمانی که وی درصدد رفع مشکل خود برنمی‌آید، به پرخاشگری و بدرفتاری با اطرافیان می‌پردازد. با تأمل در زندگی کوش پیل‌دندان می‌بینیم که از دیدگاه روانشناسی آدلر، «فردی که از عقدهٔ حقارت آسیب خورده است، زمانی خشنود میشود که با ترفندهای ویژه‌ای، خود را بر دیگران برتری بخشد و با انتقاد تند، منش دیگران را جریحه‌دار کند. گرایش به حقیر شمردن، روشی است برای خلق احساس برتری، بواسطهٔ خفیف کردن دیگران» (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۳۸). افراد مبتلا به عقدهٔ حقارت، هنگامی که نتوانند خود را باارزشت‌تر سازند، به تخریب دیگران می‌پردازند. این همان شالودهٔ شخصیت کوش پیل‌دندان است که از رفتارهای او برداشت میشود. او بزرگ شدن خود را در خرد نمودن بزرگان و ازمیان برداشتن آنان میجوید. هنگامی که لشکر ایرانیان و چینیان روبروی هم قرار میگیرند، به سپاهیان ایران فرمان حمله میدهد و به آنها توهین میکند و با خطاب قرار دادن آنها که شما مرد میدان نیستید، همچون زنان دشنام میدهید، به تحقیرشان می‌پردازد.

به ایرانیان گفت چندین سخن چه باید همی خیره افگند بن؟
به شمشیر کوشید با دشمنان نه خیره به دشنام همچون زنان
(کوشنامه: ۲۲۲)

افراد مبتلا به عقدهٔ حقارت برای جبران آن «دست به کارهای ناپه‌نچار و ناپسند می‌زنند، دشنام میدهند، سرانجام در هر مناسبتی می‌خواهند با انجام خلافشان خود را مطرح نمایند» (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۰۵)؛ با این تحلیل هنگامی که کوش پیل‌دندان بر نستوه شبیخون می‌زند، جنگ میان آنها رخ میدهد، و به لشگریان دشنام میدهد.

چو کوش آنچنان دید چون پیل مست درآمد یکی خشت پرآن به دست
برآشت و با سرکشان جنگ کرد سپه را به دشنام دلتنگ کرد
(کوشنامه: ۴۶۳)

بدبینی: «یکی دیگر از صفاتی که آدلر برای فرد دارای عقدهٔ حقارت برمی‌شمارد، بدبینی است. فرد بدبین، کسی است که با دیدی منفی به گزارش رویدادها می‌پردازد. همواره احتمالات منفی را واقعی و احتمالات مثبت را دور از ذهن میداند. او بدترین احتمال ممکن را محتمل‌ترین میداند و هیچگاه نمیتواند با دیدی مثبت به رویدادها نگاه کند؛ بنابراین امکان اعتماد کردن از او سلب میشود و نگرانی از بروز دشواریها و رویدادهای ناخوشایند تمام افکارش را فرامیگیرد» (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۶۲).

همانگونه که گفته شد، زشترویی کوش پیل‌دندان سبب شد والدینش از نگهداری و پرورش وی امتناع کنند؛ بسبب همین امر زمانی که شاه چین به کوش پیل‌دندان نامه مینویسد و به دست فرستادهٔ خویش به نام «به‌مرد» میدهد و یادآور میشود که کوش فرزندش است و از او میخواهد که به کشور چین بیاید، کوش از آمدن به نزد پدر خودداری میکند و بهانه می‌آورد که ندانسته و نشناخته برادرش «نیواسب» را کشته است و شاید پدرش به انتقام نیواسب، او را بکشد. صفت بدبینی کوش پیل‌دندان در این بیت نمود یافته است.

نباشم من ایمن ز پاداش شاه که بر دست من شد برادر تباه
 بترسم کز آن کشته یاد آیدش روان من از خشم باد آیدش
 به پادافره از من برآرد دمار کس آگاه نه از دل شهریار
 (کوشنامه: ۲۳۶)

بدبینی و بدگمانی کوش فرزند، به پدری که او را رها کرده است، باعث میشود نتواند به پدرش اطمینان کند و این بدگمانی را در وی تقویت میکند که پدر سودای کشتن وی را در سر میپروراند؛ زیرا زشتی روی کوش پیل‌دندان که سبب طرد وی شده بود، هنوز هم وجود داشت و نمیتوانست بپذیرد پدرش بدون در نظر گرفتن چهره اهریمنی و زشت وی، خواهان بازگشت اوست. مجموع این عوامل، سبب شده بود کوش پیل‌دندان، پیوسته به هر واکنش و پیغامی از سوی کوش پدر، بدگمان و بدبین باشد. این بدبینی و بدگمانی مکانیسم جبرانی بود برای کوش پیل‌دندان تا در مقابل خواسته‌های پدر مقاومت کند و بدین روش از عقده حقارتی که در وجود وی بود، دائماً در گریز باشد تا اینکه بوسیله «به‌مرد» مجاب به پذیرش خواسته کوش پدر میشود.

دروغ‌گویی: برخی افراد برای نشان دادن شایستگی خویش و جلوگیری از آشکار شدن حقارتشان در روابط اجتماعی به دروغ‌پردازی متوسل میشوند و خود را غیر آن چیزی که هستند، معرفی میکنند. هنگامی که «به‌مرد» کوش پیل‌دندان را مجاب میکند که به لشکر پدرش بپیوندد، کوش قبول میکند. به‌مرد و کوش در پایان این گفتگوی دراز، به دروغ با شمشیر با یکدیگر به جنگ می‌پردازند تا کسی از دو سپاه از آنچه گذشته است، آگاه نشود و در پایان روز به رسم جنگجویان از هم جدا می‌گردند. زمانی که به نزد آبتین برمی‌گردد و آبتین از آنچه میان او و به‌مرد گذشته است می‌پرسد، کوش پیل‌دندان به دروغ متوسل میشود؛ چیزی به آبتین نمی‌گوید؛ تنها از نیروی هم‌آورد خود سخن به میان می‌آورد و می‌فزاید که فردا با وی به نبرد ادامه خواهیم داد.

چنین پاسخ آورد کان شیر مرد که با من برابر همی رزم کرد
 دگر باره آمد به آوردگاه مرا خواست زین بیکرانه سپاه
 همه‌روزه با او برآویختم خوی و خاک و خون برهم آمیختم
 همی بانگ زد بر پیم کای سوار به‌ناورد فردا برآرای کار
 چو روز آید، آید چو شیر دژم بگردیم تا بر که آید ستم
 (همان: ۲۳۹)

مبالغه‌گویی: کوش پیل‌دندان با استفاده از نیروی پهلوانی خود، درصدد رفع و جبران این عقده بود؛ بگونه‌ای که در جای جای کوشنامه، این امر بیان شده است. قدرت و نیروی جنگی کوش پیل‌دندان ویژگی و امتیازی بود که وی برای برتری خود نسبت به دیگران از آن استفاده میکرد و در این بین از بزرگنمایی و اغراق دریغ نمیکرد. از نظر آدلر نیز «فرد دارای عقده حقارت، برای متقاعد کردن دیگران به برتری و قدرت خویش، درباره تواناییها و داشته‌هایش کوشش میکند خودنمایی، مبالغه‌گویی و گزافه‌گویی کند» (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۵۶)؛ افراد دارای عقده حقارت برای غلبه بر حقارت خویش به جبران بیش‌ازاندازه روی می‌آورند. اینگونه افراد چهره‌ای قوی‌نما به خود می‌گیرند. با این توضیح، کوش پیل‌دندان، هم که چهره زشت داشته، دچار عقده حقارت بوده و برای جبران آن به قدرت‌طلبی روی می‌آورد. از این‌روی هنگامی که مطلع میشود، آبتین به سرزمین بسیلا رفته است، خشمگین میشود. در برخورد با تعارضات هیجانی خویش پیش پدر میرود و از وی جهت محاصره سرزمین طیهور، اجازه جنگ میخواهد. گویی اینکه از توانایی ویژه برخوردار است.

برآشت آمد به پیش پدر پدر را چنین گفت کای تاجور
سپه ده مرا تا شوم پیش از این کجا راه دریا ببندد جز این
بسیلا اگر ز آسمان برتر است و گر کوه و دریا پر از لشکر است
من آن کوه را همچو هامون کنم به رنگ آب دریا طبرخون کنم
(کوشنامه: ۲۸۱)

نمونه دیگری از مبالغه‌گویی کوش پیل‌دندان، در ابیات زیر پیدا است؛ هنگامی که کوش پدر می‌خواهد، جلو کوش پیل‌دندان را بگیرد تا نگذارد با آبتین روبرو شود، کوش پیل‌دندان اعلام می‌کند تا آبتین را نکشد آرام نمی‌گیرد.

چنین داد پاسخ به دارای چین که من تا نپردازم از آبتین
دل‌م کمتر آرام گیرد همی نه رامش روانم پذیرد همی
(همان: ۲۸۲)

«انسان در میل به اثبات خود، به راههای مختلف جبران متوسل می‌شود. فرد بر اثر احساس حقارت خود به حرکت درمی‌آید و ارزشمندی‌سازی خود را گاه در فعالیت اجتماعی سودمند و گاه در رفتاری غیراجتماعی جستجو می‌کند. در میان رفتارهای وی قدرت‌طلبی، میل به پیروزی و غلبه بر دیگران، به نظر آدلر یک ویژگی رایج در روان‌آزده- هاست. قدرت‌طلبی نشان‌دهنده حرکت جبرانی است که احساس اجتماعی از آن رخت برسته است» (منصور، ۱۳۹۲: ۱۳۵)؛ در این ابیات نیز مبالغه‌گوییهای کوش پیل‌دندان نمایان است؛ زیرا وی در این ابیات به خودستایی خویش می‌پردازد.

نه فرزند کوشم بدو گفت اگر گشایم میان را به بند کمر...
فرستم سوی چین از این مرز خاک زنان را کنم بیوه و برده پاک
(همان: ۴۳۱)

در یکی از جنگها، کوش پیل‌دندان و قباد رودرروی هم قرار می‌گیرند. قباد، کوش را به جنگ تن‌به‌تن دعوت می‌کند. کوش خشمگین می‌شود، اسبش را پی می‌زند و پیاده به جنگ قباد می‌رود. کوش با این کارش جنگ با قباد را بی‌اهمیت می‌شمارد و سعی می‌کند با قدرت‌نمایی، برتری خود را به رخ قباد بکشد و بر عقده حقارت خویش غلبه کند. حتی هنگامی که از جنگ تن‌به‌تن با قباد برمیگردد، مجلس بزمی ترتیب می‌دهد و به سپاهیان خویش می‌گوید میدان جنگ برایم مانند مجلس بزم بود.

من امروز برهانم از تو جهان به زخم دلبران و فرّ مهان
چو کوش آن سخنها شنید از قباد برآشت و شیرنگ را چرخ داد
درآمد بکردار آذرگشسب بزد تیغ و آمدش بر یال اسب
سر بارگی چون ز تن دور شد سپهید به دل سخت رنجور شد
پیاده سوی دشمن آهنگ کرد زمانی به گرز گران جنگ کرد...
همه سرکشان پیش کوش آمدند به خوان و خورشهای نوش آمدند
بدیشان چنین گفت کامروز رزم به چشم چنان بود چون جای بزم
(همان: ۴۸۰)

شاهدبازی: انسان بر اثر ابتلا به عقده حقارت دچار بیماری خودخواهی و خودبزرگ‌بینی گردیده، اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کند، تجاوز می‌کند و دست به هر عمل ناروایی می‌زند. این صفت در رفتار کوش پیل‌دندان در این بیت

نمود یافته است. کوش پیل‌دندان، افزون بر آزار جنسی دختران زیباروی، از آمیزش با مردان و شاهدان نیز ابایی نداشته است. در منظومه کوشنامه دو بار به این عمل زشت کوش پیل‌دندان اشاره شده است.

نشان جست و روزی از آن خوب‌روی شب آمد ستم کرد و بستد ز شوی
ز ره کودک خوب را برگرفت دلارای هم ماده هم نر گرفت
(همان: ۳۲۶)

زنان را سوی بستر خویش برد همان کودکان را بر خویش برد
(همان: ۴۰۲)

در نظر نگارندگان، هم‌بستری با جنسهای مذکر و مؤنث، نشان از این تواند داشت که کوش پیل‌دندان بوسیله پردشدگی از پدر و مادر خویش، درصدد گرفتن نوعی انتقام از همجنس و جنسهای مخالف خود بوده است و البته بروز این رفتار میتواند نشان شدت و حدت عقده حقارت کوش پیل‌دندان باشد.

روی آوردن به کامیابیهای فوری: «سازوکار جبران از شیوه‌های گوناگونی نمایان میشود. یکی از این شیوه‌ها، جبران از راه کامیابیهای فوری، مانند لذتهای جنسی است» (احمدوند، ۱۳۷۴: ۶۴). «روی آوردن به لذتها موقتاً مشکلات را از ذهن بشر خارج میسازد. افراد مبتلا به عقده حقارت، احساس میکنند باید از هر راه ممکن سطح ارزشی خود را بالا ببرند؛ از این روی به کام‌جوییهای گذرا پناه میبرند. همچون نوشیدن مشروبات الکلی، لذتهای جنسی و...» (منصور، ۱۳۹۲: ۴۴)؛ کوش پیل‌دندان برای سرکوب عقده حقارتی که در وجودش بود، اصول اخلاقی و انسانی را زیر پا میگذاشت. از جمله این موارد میتوان به آزار و اذیت جنسی وی در رابطه با مردان و زنان و دختران زیباروی اشاره کرد.

کوش پیل‌دندان «جنگجویی است نیرومند، سنگدل و ستمگر که از کامجویی از زنان و پسران و حتی زنان شوهردار نیز سیر نمیشود. از جمله هنگامی که با فاروق شاه پیمان صلح منعقد میکند، یکی از شرایط صلح آن است که هزار کنیزک برای وی فرستاده شود» (ر.ک. کوشنامه: ۴۰)؛ وی پس از رویدادهای فراوانی به چین حمله میکند و «بهک» را میگیرد. چون از دشمن ایمنی مییابد، از راه دین و آیین روی برمیتابد و خونریز میشود و دست تجاوز به زنان دراز میکند و همه را از خود ناخرسند میسازد. زشت بودنش آن اندازه او را آزرده میسازد که با دیدن چهره خوبرویان فرافکنی میکند و هر لحظه خواهان وصال آنان میشود.

به هر مرزبانی یکی نامه کرد و ز آن غم ستم بر سر خامه کرد
که باید که رنجی به تن برنهد مرا هرکسی ماهچهری دهید...
به یک‌بار سیصد بت و شصت ماه به فرمان رسیدند نزدیک شاه
(کوشنامه: ۴۰۹)

حیله‌گری: یکی از جبرانه‌های افراطی عقده حقارت، حیله‌گری است. از جبرانه‌های دیگری که در راستای حیله‌گری پدیدار میشود، دروغ‌گویی است. فرد دروغگو «عمیقاً به دروغ‌گویی خود هشیار است و این دروغ‌گویی وسیله‌ای برای بزرگ‌منشی و خودنمایی است» (منصور، ۱۳۹۲: ۱۷)؛ کوش پیل‌دندان، هنگامی که از دخترش «ماهچهر» خواستگاری میکند، دخترش تن به این ازدواج نمیدهد و کوش که عقده حقارت دارد، از در ترفند وارد میشود تا از زیر زبان دخترش حرف بکشد.

بدو گفت کای ماه با فرّ و زیب بسی بودم از مهر تو ناشکیب
کنون از دلم دور گشت آن هوس نگویم ناگفتنی زین سپس

از آن آتش اکنون دلم گشت سرد وزان گفته‌ها مانده‌ام من به درد
 پشیمان شدستم ز کردار خویش وز آن ناسزاوار گفتار خویش
 روا خود ندارم که من شادکام تو باشی به رنج دل اندر مدام
 مرا بازگو تا بسازمت کار دهم مر تو را من بدان نامدار
 (کوشنامه: ۴۰۸)

دوگانگی رفتار: کوش پیل‌دندان، پس از مرگ دختر اولش، عاشق دختر دومش به نام ماهچهر میشود و با چرب‌زبانی، او را به تسلیم فرامیخواند. ماهچهر هیچ دلبستگی به پدرش نداشت و بدین کار تن نمیدهد. کوش از راهی دیگر، مسیر گفتگو را با او باز میکند و از وی می‌خواهد که برای خود شوهری برگزیند. ماهچهر در پاسخ پدر نخست میگوید که نمیخواهد شوهر کند، ولی هنگامیکه پدر پافشاری میکند، بناچار میگوید اگر اجازه بدهد با کنیاش ازدواج کند. لازم به توضیح است که ماهچهر، پنهان از پدر با کنیاش ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز شده بود. کوش، هنگامی که میبیند دخترش با کنیاش پیوند زناشویی بسته، به روی خود نمی‌آورد و نزد دختر رفته و رفتاری خلاف میل و آرزوی سرکوب‌شده‌اش انجام میدهد؛ و نیت خودش را بطور اغراق‌آمیزی عکس آن چیزی که بوده نشان میدهد.

افراد به روشهای متفاوت با احساس حقارت و تحقیر شدن برخورد میکنند. رفتارهای خشونت‌آمیز یکی از واکنشهایی است که ممکن است از فرد تحقیرشده برخیزد. از جنایتهای هراس‌انگیزی که کوش پیل‌دندان انجام میدهد، واقعه به قتل رسانیدن کنیاش، همسر دخترش ماهچهر، است. کوش تا این سخن دخترش را میشنود، آشفته میگردد و فرمان میدهد کنیاش را به حضورش می‌آورند. در کمال ناباوری سر او را میبرد و از گردن دخترش آویزان میکند و سوگند می‌خورد اگر سر کنیاش را از گردن خود دور کند، چنین و چنان میکند. ماه‌هر دو سال درحالیکه سر کنیاش به گردنش آویخته بوده است، زنده میماند تا جان میسپارد.

فرستاد و کنیاش را پیش خواند برآشت وز خون او جوی راند
 سرش همچنان چون سر گوسفند بردند در پیش تخت بلند
 درآویخت از گردن ماهچهر همی بوس گفت این لبان را به مهر
 اگر سر برون آید از گردنت جز آنکه که یابند مرده تنت
 (همان: ۴۰۹)

هنگامیکه ماهچهر بر اثر سخت‌گیریهای پدر فوت میکند، کوش در سوگ دخترش گریه و زاری میکند و به دست خود او را کفن میکند و به خاک میسپارد و حتی فرمان میدهد تندیس دخترش را درست کنند و آن تندیس را به زیورآلات بیارایند. این نشان از دوگانگی رفتار کوش دارد.

چو آگاهی آمد ز مرگش به کوش برون رفت با گریه و با خروش
 بدید آن نگارین به روی و به موی به رخ برنهاد از دو دیده دو جوی
 یکی بت سرشتند مانند او چه گویند بود چون کند او (؟)
 نهادش شب روز در پیشگاه به دیدار او گشت خرسند شاه
 (همان: ۴۱۱)

کوش پیل‌دندان بار دیگر نیز دچار دوگانگی رفتار میشود؛ هنگامیکه از نگارین میخواهد هرچه دلش میخواهد، بگوید اما نگارین هیچ‌چیز نمیخواهد و از کوش انتقاد میکند، ولی کوش از پرسش و انتقاد نگارین برمی‌آشوبد و او را میکشد.

کنون پاسخ این است و پاداش این بگفت و بزد بر سرش تیغ کین
به دونیم زد خرمن گل به تیغ از آن خوب‌چهرش نیامد دریغ
(همان: ۵۰۴)

نکته‌ای که در این مبحث مورد توجه است، نوعی دگرگونی در شخصیت کوش پیل‌دندان است. در وهله اول برای کامجویی از دختر دوش به فریب و حيله‌گری می‌پردازد و در وهله دوم، نوعی عذاب وجدان و پشیمانی که بعد از کشتن دخترش دچار آن میشود؛ هنگامیکه نگارین را بی‌آنکه گناهی کرده باشد میکشد، روز بعد که می‌فهمد چه کرده است، بر خاک مینشیند، میان خود را با موی نگارین میندند، زاری‌کنان دو بازوی خود را به دندان میکند، نه چیزی می‌خورد و نه میتواند بخوابد.

سرانجام کز کارش آگاه شد بیچید و شادیش کوتاه شد
پشیمان شد و گریه آغاز کرد در درد بر خویشتن باز کرد...
(همان: ۵۰۵)

البته این پشیمانی گذرا بوده و باعث تحول و تغییر اساسی در شخصیت وی نمیشود و کوش پیل‌دندان به کارهای همیشگی خود می‌پردازد؛ به عبارت دیگر از این پشیمانی و حس عذاب وجدان کوش پیل‌دندان، میتوان تحت عنوان دوگانگی رفتاری نیز یاد کرد.

زودرنجی و انتقادناپذیری: کسانی که دچار عقده حقارت هستند، اگر مورد انتقاد قرار بگیرند، زود خشمگین میشوند. آنها هرگونه انتقاد سازنده یا ناسازگارانه‌ای را دشمنی برداشت میکنند و دوست ندارند کسی ناتوانیهای آنان را گوشزد کند. هنگامیکه کوش پیل‌دندان از نگارین میخواهد هرچه دلش میخواهد بگوید، اما نگارین هیچ‌چیز نمیخواهد و فقط از کوش انتقاد میکند، کوش از پرسش و انتقاد نگارین برمی‌آشوبد و او را میکشد.

ز پرسش برآشت یک‌باره کوش بدو گفت کای بدرگ خیره‌هوش
تو را با چنین داستان خود چه کار پسودن به بیپوده دنبال مار
کنون پاسخ این است و پاداش این بگفت و بزد بر سرش تیغ کین
به دونیم زد خرمن گل به تیغ از آن خوب‌چهرش نیامد دریغ
(همان: ۵۰۴)

خودکامگی: «فرد خودکامه که طبیعتاً دارای عقده حقارت است، خویشتن تحقیر شده است که هنگامی که بر تخت قدرت مینشیند، اگرچه قدرت بیرونی را در اختیار دارد، در درون خود شخصیتی حقیر و ناچیز را احساس میکند. او برای اینکه خود را در جایگاه مثبت و برتر احساس کند، لازم می‌بیند دیگران در برابر او کوچک و حقیر باشند و مهتری و توفیق او را تأیید کنند» (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۴). یکی از رفتارهای تحقیرآمیزی که افراد خودکامه به ممنوعان خویش به آن متوسل میشوند، تهدید است. کوش پیل‌دندان نیز وقتی که به «طیهورشاه» نامه مینویسد، او را تهدید میکند اگر آبتین را تحویل ندهد، با او طرف است.

نشته به طیهور کز راه داد یکی پند من کرد بایدت یاد
فزونتر مکش پای خویش از گلیم که باشد ز سمات یک‌باره بیم

و گر سر بیچی ز فرمان من دل تو بیچد از آزار من
(کوشنامه: ۲۸۳)

کوش پیل‌دندان، پس از شکست خوردن از قباد، به شاه مکران نامه مینویسد و درخواست نیروی کمکی میکند و در نامه آمرانه فرمان میدهد و این رفتار نشان از مستبد بودن وی است.

تو باید که چندان که داری سپاه سوی ما فرستی بدین رزمگاه
بدین کار اگر تو درنگ آوری جهان بر دل خویش تنگ آوری
چو پردخته باشم از ایرانیان به یزدان اگر من گشایم میان
مگر داد بستانم از تو به کین به آتش بسوزم تو را بر زمین
(همان: ۴۷۷)

خودکامگی کوش پیل‌دندان را میتوان ناشی از اعتماد به نفس وی دانست که بسبب قدرت و مهارتش در جنگاوری بدست آورده است. بدلیل وجود عقده حقارتی که دارد و برای سرپوش گذاشتن و کتمان زشتی روی خود، همواره سعی دارد با قدرت‌طلبی و خودکامگی درصدد جبران آن برآید. به تعبیر دیگر خودرأیی کوش پیل‌دندان که نشان از خودشیفتگی وی دارد، سبب شده است وی حتی در مواقعی که شکست هم میخورد، نظر خود را بر سخنان دیگران برتر بداند. مجموع این موارد باعث میشود کوش زشتی روی خود و طردشدگی خود را که به عقده شدید حقارت تبدیل شده‌اند، کتمان کند و با هر شیوه و اصولی که ممکن و میسر است، راهی برای جبران آن بیابد.

خودبزرگ‌بینی: «انسان طبعاً خواهان کمال و پیشرفت و رسیدن به آرزوهای برتر است؛ هنگامیکه چنین توانایی را در خود نبیند، با خودنمایی و تکبر، عیب و نقص و ضعف خود را میپوشاند و با اظهار بزرگی، حقارت درونی خویش را جبران میسازد؛ زیرا اعتقاد اینان بر برتریشان بازتاب واژگونی از حقارت آنهاست» (منوچهریان، ۱۳۷۲: ۴۶). خودبزرگ‌بینی در شخصیت کوش پیل‌دندان، نشان از خودشیفتگی وی درباره مهارت و قدرت جنگجویی وی دارد. وقتی شاه چین به ایران حمله میکند، آبتین، کوش پیل‌دندان را به جنگ با چینیان تحریک میکند و کوش پیل‌دندان اعلام میدارد که اگر شاه اجازه بدهد، تمام لشکر چین را متلاشی خواهد کرد و این سخنان و رفتار کوش پیل‌دندان، نشان از خودبزرگ‌بینی و تکبر اوست.

اگر شاه لشکر سپارد به من گزیده سواران این انجمن
بر ایشان من امشب شبیخون کنم ز دشمن در و دشت پر خون کنم
(کوشنامه: ۲۰۸)

«افراد خودخواه خودشان را انسانهای بالارزشی تصور میکنند و با رفتار متکبرانه خود، احساس بزرگی و برتری میکنند» (آدلر، ۱۳۷۷: ۱۴۷)؛ هنگامیکه به «طیهورشاه» نامه مینویسد، اول نام خودش را در نامه مینویسد.

یکی نامه فرمود با مهر و داد نخست از همه نام خود کرد یاد
ز دارای خاور شه شیرگیر به شاه بسیلا هوشمند و پیر
(کوشنامه: ۴۱۲)

پس از آنکه کوش پیل‌دندان بر تمام دشمنانش چیره میشود، مغرور میگردد و به مردم ظلم و ستم میکند. افراد دچار عقده حقارت هر زمان فرصت پیدا کنند، دست تعرض به مال و جان مردم دراز میکنند.

ز دشمن چو ایمن شد و کام یافت شب و روز آرام و شادی بیافت
نهادند گردن به فرمانبری دگرگونه شد کوش از آن داوری

بگشت از ره دین و آیین و داد به بیداد دست و زبان برگشاد
سر از چنبر مهر بیرون کشید همی‌بستد از مردمان هر چه دید...
(همان: ۳۲۶)

یکی دیگر از رفتارهای تحقیرآمیز، دیگران را به انجام دادن کاری مجبور کردن است. کوش پیل‌دندان که براثر عقده حقارت برآمده از حقارت جسمانی، به فردی خودبزرگ‌بین و متکبر تبدیل شده بود، برای جبران ناتوانی و ضعف خویش همه‌گونه رفتار تحقیرآمیز از خود بروز می‌دهد. او مردم را بزور به پرستش خویش فرامیخواند.

پس از ما همین راه دارید و کیش همان صورت ما نگارید پیش
(همان: ۴۰۴)

وی بسبب پیروزی در جنگها و قدرت فوق‌العاده‌ای که داشت، چند بار خود را خدا میخواند.

چو گیتی چنان دید گردن کشید یکی چادر از کبر بر تن کشید
سر از چنبر بندگی دور کرد زبان را به بیهوده رنجور کرد
چنین گفت با مردم بدسگال که من خویشتن را ندانم همال
(همان: ۵۰۸)

این ادعا دوباره در ابیات زیر تکرار میشود؛ هنگامیکه کوش پیل‌دندان خیالش از سوی دشمن آسوده می‌گردد، بار دیگر منیت میکند و کارش تا بدانجا میرسد که میگوید: کسی را در جهان همال خود نمیدانم، زندگی شما مردم به دست من است، هرجا را بخواهم ویران و هرجا را بخواهم آبادان می‌سازم. از مردم می‌پرسد من چه کسی هستم؟ اگر پاسخ میدادند: روزی‌ده، جان به سلامت می‌بردند، ولی اگر می‌گفتند: پادشاه، آنان را میکشت. پس همه او را خدا میخواندند.

همی گفت با مردم تیره‌هوش ستمکار و بیدادجوینده کوش
که پروردگار این جهان را منم که آباد ویران چو خواهم کنم
همه زندگانی به دست من است همه مرگ در تیغ و شست من است
(همان: ۵۹۷)

کوش پیل‌دندان، چون از بازگشت قباد به ایران آگاه می‌گردد، از ماوراءالنهر و مکران می‌گذرد و این سرزمینها را به تصرف خود می‌آورد. در این هنگام، شخصی او را به جزیره‌ای آبادان راهنمایی میکند، او بدانجا میرود. در آنجا شهری می‌سازد که آن را کوشان نام مینهد و مجسمه خود را در آن شهر برپا میکند و مردم را وامیدارد به نیایش تندیس وی بپردازند.

رخامین یکی سنگ برپای کرد سر پیکر خویش را جای کرد
که این پیکر کوش گردنکش است که هنگام پیکار چون آتش است
(همان: ۴۹۹)

همچنین این صفت در ابیات زیر نیز آشکار است؛ کوش پیل‌دندان به هنگامیکه حکومت را در دست می‌گیرد، شروع به ساختن شهرها میکند. از ساخت کاخ گرفته تا تعداد بیشمار کوش دیگر، برای بهسازی زندگی اجتماعی در ایران. تلاشی که دستاورد آن یکصدویست سال بی‌غمی در ایران بود. ریشه تکبر کوش پیل‌دندان شاید همین عقده خودبزرگ‌بینی باشد که می‌خواست با خدا معرفی کردن خود، خود را از نوع بشر جدا دانسته و حقیرانه به آنها نگاه کند.

نخواهم که خواند مرا شاه کس مرا آفریننده خوانند و بس
جهان از من آمد بدین‌سان پدید سر از چنبر من که یارد کشید
منم تا جهان بود خواهد خدای چو خواهم درآرم جهان را به‌پای
(همان: ۶۶۲)

خودشیفتگی: خودشیفتگی صفتی شخصیتی است که می‌تواند بهنجار یا بیمارگونه باشد. افراد خودشیفته برای جامعه آسیب‌زننده هستند؛ چراکه می‌خواهند امیال ناکام و عقده‌های حقارت خود را بنوعی جبران کنند. گروهی از روانکاوها باور دارند بیشتر افراد خودشیفته احساس حقارت دارند و برای کاهش احساس حقارت، دست به جبران افراطی می‌زنند. افراد خودشیفته احساس ارزشمندی واقعی ندارند و بصورت اغراق‌آمیز می‌خواهند به دیگران تفهیم کنند که چه اندازه ارزشمند هستند. کوش پیل‌دندان، خود را برتر از مردمان میدانند و بارها دعوی خدایی میکند که پروردگار این جهان منم؛ اما این خودبزرگ‌بینی به دعوی ختم نمی‌شود، بلکه یکی از کارهایی که برای جبران احساس حقارتش انجام میدهد، این است که فرمان میدهد مجسمه‌اش را بسازند و در شهرهای مختلف نصب کنند. حتی پس از آنکه بر اثر تعلیمات و راهنماییهای پیر فرزانه خداپرست میشود، بازهم بتی به چهره خود می‌سازد. بتی ساخت بلور بر چهر خویش نهاد اندر آن گنبد از مهر خویش
(همان: ۶۸۳)

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، شخصیت اصلی منظومه کوش‌نامه، بر پایه نظریه عقده حقارت آدلر، بررسی و تحلیل شده است. اگر از دیدگاه نظریه آدلر، به منظومه حماسی کوش‌نامه نظر کنیم، درمی‌یابیم رفتار کوش پیل‌دندان، مؤید همان مفاهیمی است که آدلر بیان داشته است. یافته‌های پژوهش نشان میدهد زشت‌رویی و رهاشدگی از سوی پدر و مادر، از عوامل اصلی به وجود آمدن عقده حقارت در کوش پیل‌دندان بوده است که با تعامل نادرست اطرافیان، عقده حقارت در وی شدت می‌گیرد و تعادل روانی او را بهم می‌زند؛ بنابراین هنگامیکه نتوانسته از راه‌های سالم برای جبران عقده حقارت خویش بهره جوید و توفیقی کسب کند، برای تعادلبخشی روان‌رنجوری خود، به شیوه‌های ناسالم متوسل میشود. مکانیسم‌های جبران کوش پیل‌دندان در رابطه با عقده حقارت عضوی و طردشدگی عبارتند از: بدرفتاری با دیگران، بدبینی، دروغ‌گویی، مبالغه‌گویی، شاه‌بازی، روی آوردن به کامیابیهای فوری، حيله‌گری، دوگانگی رفتار، زودرنجی و انتقادناپذیری، خودکامگی، خودبزرگ‌بینی و خودشیفتگی. مطابق با نظریه آدلر، بروز چنین رفتارهای غیرعادی فقط میتواند یک عامل واقعی داشته باشد و آن عقده حقارت است که در کوش پیل‌دندان نمود یافته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب استخراج شده است. آقای دکتر آرش مشفق‌ی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای ستار عبدالله‌پور بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر غلامحسین جوانمرد به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Adler, Alfred. (1991). Individual Psychology, translated by Hossein Zamani Sharafshahi, Tehran: Tasvir.
- Adler, Alfred. (2000). Understanding human nature from a psychological perspective, translated by Tahereh Javahersaz, Tehran: Roshd.
- Ahmadvand, Mohammad Ali. (1995). Cognition of human thought, second edition, Tehran: Mehraein.
- Aidenloo, Sajjad. (2009). Texts of Pahlavani poems (selected Pahlavani poems after Shahnameh), Tehran: Samt.
- Aiyasi, Ali Akbar. (2015). Personality Theories or Schools of Psychology, Fifteenth Edition, Tehran: University of Tehran Press.
- Iranshah Abi al-kheir. (1998). Kushnameh, edited by Jalal Matini, Tehran: Scientific and Cultural.
- Manouchehrian, Parviz. (1993). Inferiority complex, Tehran: Scientific and cultural.
- Mansour, Mahmoud. (2013). Feeling Inferior, Fourth Edition, Tehran: University of Tehran Press.
- Mehrad, Hamed. (2020). Representation of the body and analysis of anti-hero physical actions in the epic system of Kushnameh, *Journal of Epic Literature*, (1) 16, pp. 2099-321.
- Nasehi, Abbas Ali. (2007). A Review of Adler Theories, *Cognitive Science News*, (1) 9, pp.55-66.
- San'ati, Mohammad. (2001). Psychological Analysis in Art and Literature, Tehran: Markaz Publishing.
- Schultz, Duane. (2013). Personality Theories, translated by Yahya Seyed Mohammadi, 25th edition, Tehran: Virayesh.
- Taheri, Habibullah. (2009). The Role of Religious Beliefs in Relieving Concerns, Qom: Za'er.
- Wellek, René. (2003). Theories of Literature, translated by Zia Movahed and Parviz Mohajer, Tehran: Scientific and Cultural.

فهرست منابع فارسی

آدلر، آلفرد. (۱۳۷۰). روانشناسی فردی، ترجمه حسین زمانی شرف‌شاهی، تهران: تصویر.

- آدلر، آلفرد. (۱۳۷۹). شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روانشناسی، ترجمه طاهره جواهرساز، تهران: رشد.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). متون منظوم پهلوانی (برگزیده منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه)، تهران: سمت.
- ابی‌الخیر، ایرانشاه. (۱۳۷۷). کوشنامه، به تصحیح جلال متینی، تهران: علمی و فرهنگی.
- احمدوند، محمدعلی. (۱۳۷۴). شناخت فکر انسان، چاپ دوم، تهران: مهرآیین.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شولتز، دوان‌پی. (۱۳۹۲). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ بیست و پنجم، تهران: ویرایش.
- صنعتی، محمد. (۱۳۸۰). تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات، تهران: نشر مرکز.
- طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۸۸). نقش باورهای دینی در رفع نگرانیها، قم: زائر.
- منصور، محمود. (۱۳۹۲). احساس کهنتری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منوچهریان، پرویز. (۱۳۷۲). عقده حقارت، تهران: علمی و فرهنگی.
- مهراد، حامد. (۱۳۹۹). بازنمایی بدن و تحلیل کنشهای بدنی ضدقهرمان در منظومه حماسی کوشنامه، پژوهشنامه ادب حماسی، (۱) ۱۶، صص ۲۹۹-۳۲۱.
- ناصری، عباس‌علی. (۱۳۸۶). مروری بر نظریات آدلر، تازه‌های علوم شناختی، (۱) ۹، صص ۵۵-۶۶.
- ولک، رنه. (۱۳۸۲). نظریه‌های ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

معرفی نویسندگان

ستار عبدالله‌پور: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.
(Email: sattarabdollahpour3@gmail.com)

آرش مشفق: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.
(Email: arashmoshfeghi@bonabiau.ac.ir; نویسنده مسئول)

غلامحسین جوانمرد: دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ایران.
(Email: javanmardhossein@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Sattar Abdollahpour: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.
(Email: sattarabdollahpour3@gmail.com)

Arash Moshfeghi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.
(Email: arashmoshfeghi@bonabiau.ac.ir; Responsible author)

Gholamhossein Javanmard: Associate Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Iran.
(Email: javanmardhossein@gmail.com)